

زندگی فاطمه (س)

فاطمه هشت سال در مکه پا به پای پدر در اعتلا و پیشرفت اسلام کوشید و در آزار کفار و مشرکان و منافقان یار و مددکار پدر بود. در دره و شعب ابوطالب، سه سال درکنار پدر تحمل کرد و زمانی که مشرکان پیامبر(ص) را آزار و اذیت و زخمی و یا جسارتی می کردند، پیامبر(ص) را دلداری می داد و زخم هایش را مداوا می کرد؛ این گونه بود که پیامبر(ص) ایشان را «ام ابیها» (مادر پدرش) نامید.

فاطمه زهرا (س) در همه حال به یاد پدر گرمی خویش بود و از هیچ نعمت و کمکی برای یاری به پدر دریغ نمی کرد. در روایت است که: سه روز بود که پیامبر (ص) غذایی نخورده بودند به طوری که بر حضرت سخت می گذشت. در نزد همسرانش خوراکی یافت نمی شد. نزد فاطمه آمد و گفت: دخترم نزد تو چیزی برای خوردن هست که بسیار گرسنه ام؟ عرض کرد: نه بخدا سوگند! وقتی پیامبر(ص) بیرون رفت، دخترش از اینکه نتوانسته پدر را سیر کند محزون شد. ناگهان دختر همسایه در زد و دو قرص نان و یک تکه گوشت خدمت فاطمه (س) آورد. او خوشحال شد و گفت خود را بر رسول خدا مقدم نمی داریم. درحالیکه همه گرسنه بودند آن را زیر سبد نهاده و سرپوش بر آن گذاشت. حسن و حسین علیها السلام را خدمت پیامبر (ص) فرستاد، تا جدشان را برای غذا دعوت کنند. پیامبر(ص) تشریف آوردند و غذای بسیار معطری زیر سبد یافت. سوال کرد این غذا از کجاست؟ فاطمه (س) جواب داد: از جانب خدایی که به هر کس بخواهد بدون حساب روزی می دهد. پیامبر (ص) و همه اعضای خانواده علی(ع) و همسران پیامبر (ص) از آن غذا خوردند و برای همسایه ها هم فرستادند.

زهرا(س) همیشه رفتاری سرشار و آمیخته از ادب و تواضع و فروتنی نسبت به پدر داشت. گرچه رابطه ایشان بسیار عاطفی و سراسر محبت و صمیمیت بود، اما این مانع احترام و تواضع ویژه ایشان نسبت به پیامبر(ص) نمی شد. نقل است از حضرت فاطمه (س) که فرمود: وقتی بر پیامبر (ص) آیه نازل شد (که پیامبر(ص) را با نامش خطاب نکنید)، هیبت پیامبر (ص) مرا گرفت، بطوری که نتوانستم به او "یا ایه" بگویم و یا رسول الله به او می گفتم. حضرت از من روی گرداند. چند بار به همین ترتیب صدا کردم و او جواب نداد. سپس فرمود: دخترم این آیه درباره تو و خاندان تو نازل نشده است. تو از منی و من از تو هستم. این آیه درباره اهل جفا و تکبر و کسانی که فخر می ورزند نازل شده است. تو "یا ایه" بگو. چون برای قلب من محبوب تر و برای پروردگار رضایت بخش تر است.

ازدواج

ازجمله نکات مهم زندگی حضرت فاطمه(س) ازدواج آن حضرت بود. ایشان خواستگاران بسیار در میان صحابه داشت که از نظر مالی در رتبه های بالایی قرار داشتند اما رسول خدا همچنان مسأله را به نظر خداوند موکول می نمود تا سرانجام جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت: ای محمد! خدا بر تو سلام

می‌رساند و می‌فرماید فاطمه را به عقد علی درآور، خداوند علی را برای فاطمه و فاطمه را برای علی پسندیده است. و فاطمه(س) و پیامبر(ص) و اگر بهتر بگوییم خداوند تبارک و تعالی، علی(ع) را که جوانی سرشار از ایمان و تعهد بود انتخاب کردند.

مسأله، مسأله زندگی، مهر و عطوفت، آرامش و تربیت، ایمان و تقوا بود. مسأله، مسأله حفظ دین و سلامت فکر و روح بود. قرار بود از محفل ساده و بی تکلف و بی ریای علی(ع) و فاطمه(س) هر لحظه نوری به عرش بلند شود و عرش را نورانی کند که خدا خود خواسته بود و اذن داده بود. آری! «فی بیوت اذن الله ان یرفع و یذکر فیها اسمہ». قرار بود ماحصل این ازدواج حسن(ع) و حسین(ع) و زینب(س) و ام کلثوم(س) باشند که هرکدام چون نوری در آسمان ولایت بدرخشند و راه زندگی ارادتمندانشان را به سوی خداوند روشن کنند.

فایده ای که آن ازدواج داشت چیزی نبود که با زر و سیم بتوان آن را قیمت گذاشت که هرچه فایده کمتر است معنویت بیشتر به ثمن بخت فروخته می شود و هرچه تجلی معنویت بیشتر باشد مال کم ارزش تر خواهد بود. قرار بود ازدواج علی(ع) و فاطمه(س) الگویی شود برای شیعیانشان تا ابد.

در روایات متعددی نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: اگر علی نبود، فاطمه همتایی نداشت. از اینجا مشخص می شود منظور پیامبر(ص) در کفویت زوجین، ایمان دوطرف است.

همسررداری

همسررداری حضرت فاطمه(س) نیز بهترین الگو برای زنان مسلمان است. شیوه رفتار با همسر برای یک زن آن قدر مهم است که حضرت علی (ع) می فرماید: جهاد زن، خوب شوهررداری کردن است.

فاطمه (س) با آن همه فضیلت، همسری نیکو و مطیع برای امیر مؤمنان علی(ع) بود. روایت است هنگامی که علی (ع) به فاطمه (س) می‌نگریست، غم و اندوهش برطرف می‌شد.

رسول خدا در اولین شب ازدواج علی (ع) و زهرا (س) کارهای آنان را به این شکل تقسیم نمود: خمیر کردن آرد و پختن نان و تمیز کردن و جارو زدن خانه به عهده فاطمه (س) باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل جمع آوری هیزم و مواد غذایی را علی (ع) انجام دهد.

پس از آن بود که حضرت زهرا (س) فرمود: جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم، زیرا رسول خدا (ص) مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، باز داشت.

فاطمه (س) هیچ گاه حتی اموری را که احتمال می داد علی (ع) قادر به تدارک آنها نباشد، از او طلب نمی نمود؛ تا آنجا که از علی(ع) در رابطه با فاطمه(س) نقل شده است: بخدا سوگند که او را به خشم نیاوردم و تا هنگامی که زنده بود، او را وادار به کاری که خوشش نیاید نکردم؛ او نیز مرا به خشم نیاورد و نافرمانی هم نکرد.